

## Unit 26 book 5

از طرف

اگر کاری از طرف شخص انجام شود ، توسط شخص دیگری برای آن شخص انجام می شود.  
سخنران اصلی بیمار بود ، پسرش از طرف او سخنرانی کرد.

بال و پر زدن

بال و پر زدن به معنای حرکت سریع بالا و پایین یا از یک طرف به آن طرف است.  
پرنده کوچک بالهای خود را زد و از گل ها غذا خورد.

یخچال طبیعی

یخچال طبیعی یک تکه یخ بزرگ است که بسیار آهسته حرکت می کند.  
قطب شمال توسط یخچالهای عظیم پوشیده شده است.

کره زمین

کره زمین به زمین اشاره دارد.  
آب بیشتر کره زمین را پوشش می دهد.

افقی

وقتی چیزی افقی باشد ، مسطح و هم سطح با سطح زمین است.  
پرچم روسیه دارای سه نوار افقی سفید ، آبی و قرمز است.

زمزمه کردن

صدای هوم به معنای ایجاد صدای کم و مداوم است.  
مرد آهنگ مورد علاقه خود را زمزمه کرد.

فهرست

یک فهرست موجودی از چیزی است.  
گوئن در حال بررسی موجودی کالا بود تا مطمئن شود که آنچه لازم داریم را داریم.

درونی

اگر یک فکر یا احساس درونی باشد ، به دیگران ابراز نمی شود یا نشان داده نمی شود.  
وقتی به مادرش دروغ گفت احساس گناه درونی داشت.

نان

یک قرص نان به صورت نانی است که در یک تکه پخته شده است.  
آیا می توانید یک قرص نان برای ساندویچ بخرید؟

پیشگو

پیشگو شخصی است که با خدایان صحبت می کند و در مورد آینده مشاوره می دهد.  
پادشاه نزد پیشگو رفت تا بپرسد آیا رفتن به جنگ ایده خوبی است؟

مدار

دور زدن اطراف چیزی یعنی حرکت در اطراف آن در یک مسیر منحنی و مداوم.  
ماه به دور زمین می چرخد.

بررسی اجمالی

یک نمای کلی ، توصیف کلی وضعیت است.  
برادرم نمای کلی از بخشهای مهم کتاب را به من ارائه داد.

پیش نمایش

پیش نمایش فرصتی است برای دیدن چیزی قبل از اینکه در دسترس عموم قرار گیرد.  
گروه پیش نمایش آهنگ جدید خود را برای ما پخش کردند.

قبل

اگر چیزی قبلی است ، پس از آن زمان یا ترتیب زودتر اتفاق افتاده است.  
او به صفحه قبلی برگشت تا پاراگراف را دوباره بخواند.

فراهم کردن

تهیه چیزی به معنای تأمین آن است.  
به هر دانش آموز آزمون و سه مداد تیز داده شد.

عود کردن

عود به معنای بیش از یک بار رخ دادن است.  
به نظر می رسد سرقتها بارها و بارها در همسایگی ما تکرار می شود.

مربوط

وقتی موضوعی مرتبط باشد ، برای شخص یا موقعیت خاصی مهم است.  
کتاب سی ساله مربوط به سیاست ، امروزه نیز به جامعه ما مربوط است.

مناسک

آیین یک مراسم سنتی است که توسط یک گروه یا جامعه خاص انجام می شود.  
هنگام تولد نوزاد جدید ، ماسک های ویژه ای در طول مراسم پوشیده می شود.

متوقف کردن

متوقف کردن به معنای متوقف کردن فرآیند و ادامه آن در زمان بعدی است.  
اگر به ماشین فشار بیاورید ، متوقف نمی شود.

ماوراالطبیعه

اگر چیزی ماورا طبیعی باشد ، با قانون طبیعی امری واقعی و قابل توضیح نیست.  
اژدها دارای قدرت های فراطبیعی مانند پرواز و تنفس آتش بود.

پرواز کاسمو

وقتی کاسمو از خواب بیدار شد ، گریه می کرد. او خواب دید که در حال سقوط است. این رویا برای پنج شب گذشته تکرار شده بود. کاسمو از اینکه رویاهای او پیش نمایشی از آنچه قرار بود روز بعد در پرواز او اتفاق بیفتد ترسیده بود.

کاسمو موجودی ماورایی بود که در آستانه 15 سالگی بود. در فرهنگ وی ، پسران در سن او ملزم به شرکت در یک مراسم مهم بودند. به آنها بال داده و به آنها دستور داده شد که به دور زمین بچرخند. پس از پروازهای موفق ، پسران رسماً مرد شدند. کاسمو مطمئناً می خواست یک مرد شود ، اما ترسیده بود. او به سخnrانی پیشگوی خدا به نام دانو رفت. کاسمو

گفت ، "من مطمئن نیستم که بتوانم چنین سفر طولانی داشته باشم. اگر خسته شوم چطور؟ اگر قدرتم بیفتد چه می شود ، و نمی توانم در هوا بمانم. من سقوط خواهم کرد و خواهم مرد!"

دانو پاسخ داد ، "نترس شما در موجودی شخصی خود تمام مهارت‌های مربوطه را دارید که طی سالهای گذشته در حال افزایش بوده است. برای اینکه نگرانی خود را راحت کنید ، بگذارید کمی درباره اتفاقات فردا برای شما بگویم. شما از آفریقا شروع خواهید کرد. پرواز خود را به سمت شمال ادامه خواهید داد تا اینکه به هیمالیا بیایید. قله های کوه در چنین مسافتی مانند قرص نان کوچک به نظر می رسند. رودخانه های جهان مانند تکه هایی از رشته آبی خواهند بود که از کره زمین عبور می کنند. بدن خود را هنگام پرواز در برابر بادهای اقیانوس آرام به حالت افقی نگه دارید. چشمان خود را باز نگه دارید و از زیبایی های زمین لذت ببرید. شما خوب خواهید شد ، خواهید دید."

کاسمو پاسخ داد ، "با تشکر از مرور کلی سفر من ، من تمام تلاشم را می کنم."

صبح روز بعد ، یک بال الهی برای کاسمو فراهم شد و راهی او شد. بالهای خود را زد و به بالای زمین رفت. او بر فراز کوه ها ، اقیانوس ها و یخچال های طبیعی پرواز کرد. بعد از مدتی دیگر اندیشه های درونی او دیگر در مورد سقوط نبود. او در واقع داشت سرگرم می شد! او از دیدن منظره شروع به زمزمه آهنگی کرد. وقتی به خانه رسید ، قبیله اش آنجا بودند تا از او استقبال کنند.

رئیس گفت: "من از طرف قبیله ، شما را مرد معرفی می کنم. ما به شما افتخار می کنیم ، کاسمو!"

کاسمو هم به خودش افتخار می کرد.